

# تقلیل نفوس دنیا

## اقتباس ونگارش آقای مشفق همدانی

عمران و آبادی هر کشور بستگی نام شمارة نفوس آن دارد از این جهت زمامداران هر ملت و بزرگان هر قوم میکوشند بانام وسائل ممکنه از ازدیاد نفوس تشویق و از موجبات تقلیل آن جلوگیری بعمل آورند. همه میدانند که از چند سال قبل ممالک متمدن برای نیل باین مقصود چه مشقات فراوانی متحمل شده چه تدابیری اندیشیده و چه اقدامات مجدانه بعمل آورده اند؟ جای بسی شگفت است اگر بگوئیم که اقدامات مبعجکدام از دول در این راه تا کنون بجائی نرسیده و زحمات و مشقات و مخارج بی پایان که برای نیل باین منظور مصرف گردیده نتیجه ای نداده است.

دولت فرانسه آمار نوزادان و فوت شدگان نود ناحیه کشور را در سال ۱۹۳۶ منتشر نموده است که خلاصه آن بقرار ذیل میباشد:

شماره نوزادان ۶۳۰۷۱۳۹ در مقابل ۶۴۰۷۵۲۵ در سال ۱۹۳۵ شماره فوت شدگان ۶۴۲۷۱۳۹ در مقابل ۶۳۸۷۳۷۹ در سال ۱۹۳۵ از این آمار چنین بر می آید که در سال ۱۹۳۶ شماره فوت شدگان در کشور فرانسه ۱۲۰۰۰ بر عده نوزادان فزونی داشته است و بنابر این عده نفوس آن سامان رو بتقابل نهاده و نجانان بوضع آنکه وقت خود را صرف ساختن کهواره های زیبا نمایند بیشتر بتعمیر تابوت های زشت منظر اشتغال داشته اند.

نباید تصور نمود که تنها کشور فرانسه دچار این بلیه گردیده است بلکه کلیه کشورها کم و بیش دستخوش این خطر خانماتسوز واقع شده اند. در کشور انریش در سال ۱۹۳۵ نسبت متولدین ۱۳۲۲۰۰۰ و نسبت مردگان ۱۳۶۱۲۰۰۰ بوده است.

سر انجام این تقلیل نفوس چه خواهد بود؟ اگر «مالتهوس» ۱ خبر اقتصادي انگلیسی که بیم آن داشت مبادا ازدیاد نفوس عالم روزی زندگانی بشر را بمخاطره اندازد سر از کور برمی آورد و نگاهی بوضعیت کنونی دنیا می افکند بطور قطع و یقین تغییری در عقاید وی تواید میگردد.

بدبھی است که برای تقلیل متوفیات حدی میتوان قائل شد و حال آنکه برای تقلیل متولدین نمیتوان میزائی قائل گردید. در کشورهای فرانسه و اسکاتلند و فنلاند و هلند و آلمان و انریش و ایتالیا و انگلیس و بازیک و سوئیس و امریکا و کانادا و استرالیا جملگی شمارة نوزادان رو بتقلیل میرود.

در ممالک ایتالیا و آلمان زمامداران ادور برای ازدیاد نفوس از این اقدام کوتاهی نکرده اند و مخصوصا در کشور ایتالیا برای مبارزه بر علیه تقلیل متولدین رنج

فراوان کشیده اند ولی نتیجه مطلوب نرسیده اند. در آلمان تشویق زناشویی و وضع مالیات برای مجردین سودمند واقع شده و بطور محسوس از خطر تقلیل نفوس کاسته است. مختصر در کلیه کشورهای متعده هر روز از عدد اهالی کاسته میشود و شکست آنکه در همین دوره مانند دوره کنونی وسائل زندگی آمادگی نبوده و مواد مایه احتیاج انسانی وجود نداشته است. بنابراین پیش بینی های ( مالتوس ) بهیچوجه بحقیقت نیبوسته است. علمای علم الحیات و علم اجتماع با دلائل کافی ادعای ( مالتوس ) را رد کرده و تالیف های ثابت نموده اند که مقدار آذوقه کیتی با موضوع ازدیاد نفوس نسبت عکس دارد. «شارل فوریه» اوسیس «پیرارو» پیش بینی می نمودند که ترقیات اقتصادی بشر بطور قطع در افزایش نوزادان جلوگیری بعمل خواهد آورد و «کاری»<sup>۲</sup> و «اسپنسر»<sup>۳</sup> ثابت نمودند که چون استعداد تولید طفل با فعالیت دماغی نسبت معکوس دارد هرچه تمدن بیشتر رود از اولاد بشر بیشتر کاسته شود. صرف نظر از صحت دلایل فوق عدد کتیری از دانشمندان بر آن شدند که مسئله ازدیاد با تقلیل نفوس را دقیقاً مورد بررسی قرار دهند. در وهله اول چنین بنظر میرسد که سکنه کیتی نمی تواند رو باز دیاد گذارد و نه بطور مداوم کم شود و لهذا همواره بین متوالین و متوفیات موازنه برقرار میباشد.

«کانله»<sup>۵</sup> نخستین کسی بود که مسئله را از نظر ریاضی مورد بحث قرار داد و اظهار نظر نمود که تعداد سکنه دنیا همواره بیک میزان خواهد ماند زیرا عواملی چند بنسبت هندسی مانع از دیاد موجودات میگردند. چند سال بعد «ورهلست» ریاضیدان معروف بازیکی راجع باز دیاد نفوس معادلاتی تنظیم نموده و برای تقلیل ساکنین کشورهای متعده فرمولی بدست آورد. بنا بر عقیده وی برخلاف پیش بینی های مالتوس شماره اولاد بشر رو بتقلیل میرود ولی این تقلیل حدی دارد که از آن تجاوز نخواهد کرد اخیراً بول و «رید» استادان امریکائی برای اهالی دولت متحده امریکا از سال ۱۷۹۰ ببعدهمان فرمول ورهلست را بدست آورده اند. یکی از آمارشناسهای نامی انگلیس موسوم به «دودنی بول» ثابت نمود که فرمول ورهلست در مورد کایه کشورهای متعده قابل اجرا میباشد.

آیا تقلیل روز افزون نفوس بالاخره کشور های متعده را بپرتگاه نیستی نزدیک خواهد کرد؟ «تالکیست» آمار شناس فنلاندی عقیده دارد که نقصان ازدواج پیوسته از مردم کیتی میکاهد. بنا بر این آیا روزی نژاد بشر بکلی از صفحه دنیا نابود خواهد گشت؟ عدد

Pierre leroux ۴

Charles Fourier ۱

Herbert Spencer - ۴

Carey - ۲

Verhulst - ۶

Qutelet - ۵

Talquist - ۷

از دانشمندان از آن جمله «اونکا» از ابراز این نظریه خود داری نمی کنند ولی عقیده آنها بر آنست که مینوان باوضع قوانین عاقلانه از وقوع این خطر جلوگیری بعمل آورد.  
برخی از علمای عام اجتماع و علم الحیات براین عقیده اند که نقصان یا ازدیاد نفوس دنیا مرفقی است و هیچ وقت نمی توان حد اکثر یا اقلی برای آن قائل گردید.  
در کشورهایی که شرائط زندگانی افراد آن مشکل است از قبیل کشور های روسیه شوروی و یوگوسلاوی و یونان و رومانی و لهستان فوس متولدین همواره در ترقی است بنابراین میتوان نتیجه گرفت که در کشورهای مختلفه بنا بر مقتضیات زندگانی آنها مسئله ازدیاد یا تقلیل نفوس بصورت های مختلف خود نمائی میکنند.

در کشور های متمدنی که اهالی زندگانی آرام و نعمت فراوان دارند عدد متولدین رو بتقلیل میرود و حال آن که در کشورهای متمدنی که تحصیل معاش مستلزم تحمل مشقت زیاد است عدد نوزادان رو بفزونی می گذارد. کشور ژاپون قبل از آنکه بمرحله تمدن کنونی برسد از ازدیاد نفوس شکایت میکرد و حال آنکه امروز که خود را پایه ممالک غرب رسانید از تقلیل محسوس سکنه خویش در شکفت مانده است. نسبت متولدین آن سر زمین در سال ۱۹۱۳ سی و سه در هزار در سال ۱۹۱۳ سی و یک در هزار و در سال ۱۹۳۳ سی در هزار بوده است.

بررسی علل مختلفه که در اجتماعات متعدده در تحول میزان متولدین تاثیر کامل دارد ما را در نصربح مسئله مدد میدهد.

برخی از موجبات تقلیل نفوس بطور مستقیم تابع اراده انسانی نبوده و جنبه حیاتی دارند و لکن بعضی دیگر ناشی از اشتباهات خود بشر است. متاسفانه دخالت انسان در اضمحلال نفوس کنونی بیش از سهم طبیعت است و چنانکه رفاهیت با فقر درجه معاومات و تمدن، شغل و اقتصاد و مذهب و غیره در ازدیاد یا تقلیل سکنه يك کشور دخالت کامل دارد.

تروت و رفاهیت مشوق نازادی هستند و تقلیل نفوس همواره از طبقه اشراف آغاز گردیده است. آری کسانی که بمال و مکننت علاقه تام دارند هیچوقت نمی خواهند بر تعداد شرکای خویش بیفزایند و آنهایی هم که پای بند شهوات نفسانی و لذات زندگانی و آزادی مطلق و باعیش و باده گساری هستند همواره از کثرت اطفال منضجرو بیزارند. اشخاصی که مشاغل آزاد دارند اغلب با تولید طفل مخالف میباشند.

در شهرها تقلیل نفوس محسوس تر از قصبات است. تمدن کنونی و مقتضیات آن، آزادی روز افزون جوانان و افزایش محل های تفریح و شهوت رانی مهمترین علل تقلیل نفوس می باشند. بر کسی پوشیده نیست که زندگانی روستائی، ازوا، و غیره غیره جنسی و حس تولید طفل را تحریک میکند.

آنچه را که گذشت میتوان در چند جمله مختصر کرد: نسبتی که ترقیات اجتماعی و اقتصادی زندگانی ملل کیتی را بر فاهیت بیشتری مقرون میسازد و بر معلومات تمدن آن میافزاید نفوس کیتی کماکان رو بنقلیل و اضمحلال میرود. ولکن میتوان با وضع قوانین مختلفه و اصلاحات اجتماعی چند از این خطر موحش جلوگیری نمود. مهمترین عواملی که در امپراتوری قدیم رم نفوس را بطرف دبار نیستی سوق میداد عبارت از جنگ های داخلی و اغتشاشات دائمی و عدم رفاهیت و اشکالات زندگانی بود. دنیای کنونی شباهت مختصری با جهان گذشته دارد عدم رفاهیت اجتماعی و بحران اقتصادی بدون شك در تقلیل نفوس سهم بسزائی دارد و بدبھی است که اگر آرامش در جهان برقرار گردد و مناسبات بین المللی اصلاح پذیرد بهبودی محسوسی در وضعیت نقصان مردمان کیتی حاصل خواهد شد.

### غزل

بیدل و خسته در این شهرم و دلداری نیست / غم دل با که توان گفت که غم خواری نیست  
 رو مدای خودای دل بکن از جای دگر / و مطاکسا اندرین شهر طیب دل بیماری نیست  
 شب ببالین من خسته بغیر از غم دوست / از آشنایان کهن یار و پرستاری نیست  
 یارب این شهر چه شهر است که صدیوسف دل / بکلافی بفروشد و خریداری نیست  
 بجز از بخت تو و دیده من در غم تو / شب در این شهر ببالین سر بیداری نیست  
 گوها را ندهد ره بدر صومعه شیخ / در خرابات مگر سایه دیواری نیست  
 همای شیرازی